

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، پیاپی ۱۵

صفحات ۱۷۲-۱۴۷

نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی

مورد: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان

سیدهدادی طیب‌نیا؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
سوران منوچهری*؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، آموزش و پرورش کردستان، کردستان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

چکیده

امروزه اقتصاددانان از تجارت همچون موتور محرکه‌ای برای توسعه یاد می‌کنند؛ از این رو تأسیس و ایجاد بازارچه‌های مرزی به عنوان راهکاری مطلوب جهت رفع شکاف مناطق مرکزی و مرزی و برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کنونی مرزنشینان مورد استقبال بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه قرار گرفته است. تحقیق حاضر در پی ارزیابی کیفیت عملکرد و تأثیرگذاری بازارچه مرزی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده توصیفی-تحلیلی بوده است. روش گردآوری اطلاعات در بخش نظری، کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی مبتنی بر بهره‌گیری از پرسشنامه و مصاحبه است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از آزمون ویلکاکسون، ضرایب همبستگی کندال و اسپیرمن استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق دو گروه مسئولین و سرپرستان خانوار ساکن در ۳۱ روستای بخش خاو و میرآباد هستند که در گروه مسئولین با توجه به تعداد آنها ۱۲ نفر و در گروه سرپرستان خانوار نیز تعداد ۱۷۵ نفر با بهره‌گیری از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. نتایج تحقیق از دید مسئولین حاکی از این است که بازارچه توانسته است تأثیرگذاری مطلوبی بر افزایش امنیت، کاهش قاچاق و درآمدهای آن و امنیت شغلی روستاییان داشته باشد. از منظر روستاییان نیز بازارچه توانسته است به دنبال مهار قاچاق کالا به عنوان شغل دوم و مکمل فعالیت‌های کشاورزی ایفای نقش نماید؛ همچنین موجب افزایش امنیت شغلی، تسهیل عبور و مرور و افزایش امنیت آن‌ها شده است اما در شاخص‌های دیگر همچون بهبود وضعیت فقر و بیکاری و افزایش زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، افزایش درآمد و رضایت شغلی، کاهش میل مهاجرت و تغییر مثبت در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی، ناموفق بوده است.

واژگان کلیدی: مناطق مرزی، بازارچه مرزی، توسعه روستایی، بخش خاو و میرآباد.

* Email: manoochehrisoran@yahoo.com

(۱) مقدمه

با توجه به ویژگی‌های فضاهای روستایی، جایگاه و نقش آن‌ها در توسعه ملی یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان توسعه در عصر حاضر رفع محرومیت و توزیع امکانات و فرصت‌ها در این نواحی است (رضوانی، ۱۳۹۱: ۲). در این بین حوزه‌های روستایی مناطق دورافتاده و مرزی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار گرفته‌اند. عدم توسعه‌یافتگی صنعتی در کنار اشتغال بالا در بخش کشاورزی با راندمان تولید پایین، روستاهای کوچک، وضعیت نامطلوب منابع پایه‌ای، فقدان ساختارهای مطلوب حمل و نقل (عدم دسترسی) و سطح پایین رفاه و امنیت (2006:486، Bacsı؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱: ۳)، عمده‌ترین مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی روستاهای این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی فراهم آورده است (Ahmadypour, 2013: 72-73). مهم‌ترین ویژگی ساختار این مناطق، فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی خصوصاً برای نیروی انسانی روبه افزایش روستایی است (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰). جهت رفع این معضلات، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه روستایی این مناطق تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌تواند به عنوان دروازه‌ای اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه روستایی مرزنشین باشد (کامران، ۱۳۸۹: ۱۳؛ زرقانی، ۱۳۹۱: ۲). این بازارچه‌ها ضعف اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاهای حاشیه مرزها جلوگیری می‌کنند. همچنین با پخش منافع توسعه به مناطق پیرامون، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌گردد (Pál, 2011: 51). در واقع در این مناطق بازارچه‌های مرزی خلأ ناشی از برنامه‌های آمایشی کشور را برطرف می‌سازند (صادقی و ربیعی، ۱۳۹۳: ۵۸).

در کشوری مانند ایران که دارای همسایه‌های متعدد و در نتیجه مناطق مرزی گسترده است، ضرورت ایجاد بازارچه‌های مرزی را می‌توان در دو جنبه علمی و عملی احساس کرد: از جنبه علمی، نتایج مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که کشورهایی با مساحت گسترده و وسیع مانند ایران، دارای تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی مشهودی بین مناطق مرکزی و مرزی می‌باشند، که این عدم تعادل‌ها تأثیرات عمده‌ای در دو جهت بر جای گذاشته است: یکی حرکت توسعه را با کندی مواجه ساخته، زیرا بر پایه نظریه پخش‌گرایی مناطق سنتی (توسعه‌نیافته)، به عنوان ترمزی عمل کرده و حرکت توسعه را کند می‌کند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۹۰: ۷۰). این مسئله در نواحی روستایی منزوی مرزی کاملاً نمود دارد؛ حجم بالای مهاجرت‌ها و تخلیه این روستاها از سویی انحطاط منابع ملی را در پی دارد و از سویی دیگر، حجم بالای مهاجرین نیز به مناطق مرکزی سبب شکل‌گیری معضلات عدیده و کند نمودن سرعت توسعه این

مناطق هم می‌شود. در مرحله بعد نیز به گسترش ناامنی منجر گردیده و کل نظام توسعه، امنیت و مدیریت مناطق مرزی را تحت تأثیر قرار داده است (احمدپور، ۱۳۹۱: ۴).

از جنبه عملی نیز کشورهایی که درگیر مسایل ناامنی در مناطق مرزی خود بوده‌اند، دریافته‌اند که عمده‌ترین مسائل مربوط به این ناامنی‌ها، ناشی از شرایط توسعه‌نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر، شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق می‌تواند محیط مناسبی جهت بروز ناامنی‌ها و تحریک دشمنان فراهم آورد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲-۱)، با نگاهی گذرا به نواحی روستایی مرزی کشور می‌توان وجود چنین وضعیتی را به راحتی مشاهده نمود. آنچه که می‌تواند امنیت مناطق روستایی مرزی را تأمین نماید، استفاده از تمام پتانسیل‌ها جهت توسعه این مناطق از جمله رونق تجارت با تأسیس و گسترش بازارچه‌های مرزی است.

استان کردستان یکی از استان‌های مرزی کشور با جمعیت روستایی مرزنشین بسیار است. شرایط طبیعی و مورفولوژیکی روستاها در کنار فاصله از مرکز و فقدان تنوع اقتصادی، وضعیت دشوار معیشتی را برای روستاهای مرزی این استان رقم زده است. منطقه مورد مطالعه روستاهای بخش خاو و میرآباد در غرب شهرستان مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان در نقطه صفر مرزی با کشور عراق است. فاصله از مرکز و راندمان پایین تولیدات کشاورزی موجب گسترش فقر، بیکاری و مهاجرت در کنار افزایش گرایش به فعالیت‌های غیررسمی (قاچاق) در منطقه گردیده است؛ این در حالی است که موقعیت جغرافیایی و همسانی شرایط فرهنگی و اجتماعی با مردمان آن سوی مرز، وضعیتی مطلوب را جهت ایجاد بازارچه مرزی رقم زده است. با توجه به این پتانسیل بالای منطقه در تجارت مرزی در کنار گمرک رسمی باشماق در سال ۱۳۸۹ بازارچه‌ای مرزی مخصوص روستاییان این بخش باهدف کاهش فعالیت‌های غیررسمی، بهبود معیشت و افتاهنگ مهاجرت‌های روستاشهری تأسیس گردید، حال تبیین چگونگی کارکرد و عملکرد، میزان و کیفیت اثرگذاری بازارچه بعد از چند سال فعالیت بر روی فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی و محرومیت‌زدایی نواحی روستایی بخش خاو و میرآباد به عنوان مسئله اصلی و درعین حال شناسایی نقاط ضعف و قوت به منظور ارائه راهکارها هدف اصلی این پژوهش است. در این راستا سؤالاتی به شرح زیر مطرح هستند: (۱) آیا تأسیس بازارچه جدید موجب توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای پیرامون شده است؟ و (۲) آیا بین میزان رضایت افراد از وضعیت کنونی بازارچه و شاخص‌های فردی همچون سن، میزان تحصیلات و وابستگی درآمدی آن‌ها به فعالیت در بازارچه رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد؟

۲) مبانی نظری

امروزه تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه معرفی شده است؛ زیرا کشورهایی که دارای سیستم‌های باز (درهای باز) خارجی هستند، کمتر و کمتر دچار فقر شده و به واسطه رونق تجارت خارجی نابرابری‌ها را کاهش داده‌اند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰). از این رو کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه لازم است به دنبال حضوری جدی‌تر در عرصه تجارت جهانی باشند. از جمله روش‌های حضور فعال در تجارت جهانی، گسترش مبادلات مناطق مرزی بین کشورها و احداث بازارچه‌های مرزی است. در واقع بازارچه‌های مرزی به عنوان راهکاری اساسی در تحول و پویایی مناطق مرزی (یگانه، ۱۳۹۰: ۴) و گسترش و پایداری تجارت به‌شمار می‌رود (Oicu, 2005: 3). بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور، واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات، مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌جوار تعیین می‌شود (کهنه پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱: ۹). می‌توان بازارچه‌ها را به دو دسته کلی تفکیک کرد: ۱) بازارچه‌های مرزی مصوب تجاری اقتصادی: این بازارچه‌ها بر اساس مصوبه هیئت‌وزیران تشکیل شده‌اند؛ و ۲) بازارچه‌های امنیتی یا ویژه: این بازارچه‌ها مجوز تأسیس آن‌ها توسط شورای عالی امنیت ملی صادر می‌گردد که عموماً در مرز ایران با عراق و افغانستان قرار دارد و بر اساس شرایط امنیتی در زمان و مکان معین ایجاد می‌شود.

عمده فعالیت بازارچه‌ها بر اساس عملیات پیلهوران شکل می‌گیرد، حال آنکه برخی بازارچه‌ها صرفاً محل عبور مسافران دو سوی مرز با فعالیت محدود بازرگانی هستند (خراسان، آستارا) (رازینی، ۱۳۸۱: ۱۷). بازارچه مرزی نیز به عنوان نهاد نوینی که توانایی حل بسیاری از مشکلات مناطق مرزی را دارا است، از اواسط دهه ۱۳۶۰ شمسی ذهن بسیاری از سیاست‌گذاران و مسئولان محلی را به خود مشغول نمود تا اینکه به دنبال امضای پروتکلی با مقامات کشور ترکیه در نیمه دوم ۱۳۶۰، اولین بازارچه مرزی در ایران با اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در محل بازار ساری سو بازرگان در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد (جهانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷۹۶). امکان کسب درآمدهای استانی ناشی از فعالیت بازارچه، عدم نیاز به اخذ مجوز ورود برای کالاهای وارداتی، گستردگی اقلام قابل ورود، تداوم محدودیت‌های موجود در تجارت کلان کشور، بهبود نسبی راه‌ها، ایجاد امنیت، روانه شدن سیل تجار غیربومی به بازارچه و فشار مسئولین سایر استان‌ها موجب شد که بازارچه‌های جدیدی پیشنهاد و ایجاد گردند تا اینکه در سال ۱۳۷۲ فعالیت‌های بازارچه‌های مرزی رسمیت یافت و بازارچه‌های متعددی تأسیس شدند (بی‌سخن، ۱۳۸۷: ۳۸). دلایل عمده شکل‌گیری بازارچه‌های مرزی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱) اجتماعی: بازارچه‌های مرزی خلأ موجود در محدوده مرزها را برطرف کرده و از خالی شدن حاشیه مرزها جلوگیری می‌کنند که این امر خود می‌تواند در بالا بردن ضریب امنیت مرزها مؤثر باشد.

۲) اقتصادی: با وجود بازارچه‌های مرزی و در نتیجه مبادلات مرزی و صدور محصولات تولیدی از طریق این بازارچه‌ها نه تنها مشکلات معیشتی مرزنشینان حل می‌شود، بلکه سرمایه‌ای نیز برای ورود به عرصه‌های بزرگ اقتصادی به دست می‌آید.

۳) سیاسی: متغیرهای سیاسی از جمله متغیرهای بااهمیت و تأثیرگذار بر حیات بازارچه‌ها است. ضمن آنکه روابط تجاری نیز می‌تواند بر روابط سیاسی تأثیرگذار باشد برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهد وجود روابط اقتصادی بین دو کشور از بروز جنگ و ستیز بین آن‌ها جلوگیری نموده است.

۴) فرهنگی: اهالی مرزنشین در بسیاری از نواحی مرزی با افراد آن سوی مرز رابطه‌های فرهنگی، خویشاوندی، قومی و اجتماعی دارد. وجود زبان مشترک و آداب و رسوم اجتماعی نزدیک به هم سبب نزدیکی ساکنین این نواحی و در نتیجه رونق فعالیت‌های تجاری می‌شود (عاشری، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). همچنین بازارچه‌های مرزی دارای آثار منفی‌ای نیز است که می‌توان این آثار نامناسب را با برنامه‌ریزی و نظارت‌های مداوم به حداقل رساند (شکل شماره ۱).

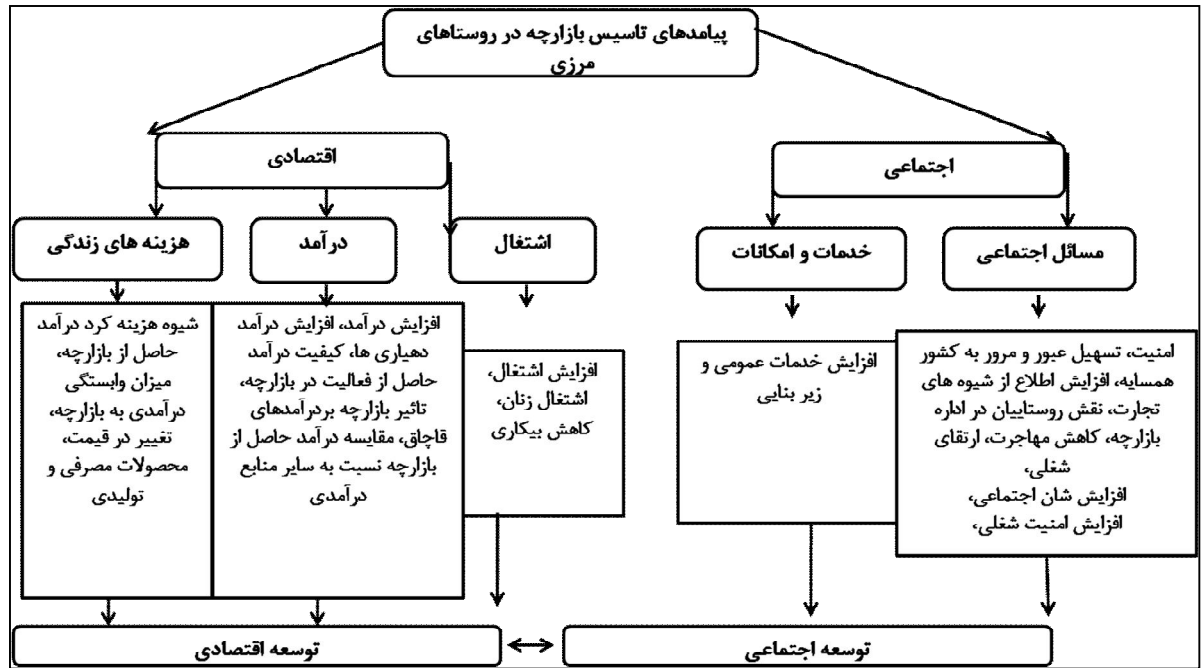


شکل شماره (۱): نتایج کلی ایجاد بازارچه‌های مرزی

منبع: کامران، ۱۳۸۹: ۵.

با نگاهی گذرا به نواحی روستایی مرزی می‌توان دید که این مناطق همزمان از بار فشار دوگانه توسعه‌نیافتگی و حاشیه‌ای بودن در رنج هستند (افراخته، ۱۳۹۱: ۵۸)؛ به گونه‌ای که مسئله اصلی در برخی از این مناطق تلاش برای بقا است؛ در چنین شرایطی، تحقق توسعه‌ای که متضمن تقویت هویت، اقتدار و امنیت و رفاه ملی باشد، غیرممکن خواهد بود؛ تلاش برای کاهش نابرابری‌های موجود، آرمان نظام برنامه ریزی توسعه کشور است (قادر مرزی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). بنابراین ضرورت دارد که روستاهای مناطق مرزی و محروم در اولویت برنامه‌های توسعه قرار گیرند (شایان، ۱۳۸۳: ۷۲). راوات در تعریفی بیان می‌کند که توسعه روستایی در رابطه با ارتقای سطح معیشت و بهبود وضعیت اقتصادی مردم است (Rawat, 2012: 1). همچنین بانک جهانی توسعه روستایی را در گرو بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی روستایان فقیر می‌داند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۰). در این راستا یکی از ضرورت‌ها مهم دستیابی به شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی در نواحی روستایی، رفع محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود بین نواحی روستایی و شهری و افزایش درآمد روستایان است (Harris, 2003: 2, Westholm, 2009: 1) به

منظور تحقق این امر در نواحی روستایی مرزی می‌توان به تأسیس بازارچه‌ها اقدام نمود. با توجه به اینکه بازارچه‌های مرزی می‌توانند تحولی بنیادین در تولید، اشتغال و تثبیت جمعیت، افزایش درآمد، جلوگیری از قاچاق (کهنه‌پوشی و جلالیان، ۱۳۹۲: ۶۸) و توسعه امنیت، تأمین هزینه‌ای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و آسایش ساکنین محلی ایجاد نماید، به عنوان یکی از پتانسیل‌های عمده رفع تبعیض و توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق محروم مرزی مطرح هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶). تأسیس بازارچه‌های مرزی زمینه‌ساز توسعه‌ای از پایین، افقی و درون‌زا خواهد بود که در نتیجه این امر علاوه بر مشارکت مردم در امر توسعه، نگهداشت جمعیت و منابع و جلوگیری از انحطاط آن‌ها در روستا، زمینه پایدار ملی نیز مهیا می‌گردد. اقتصاددان‌ها بر این باورند که باز شدن مرزهای کشورهای همسایه به روی یکدیگر و گسترش فعالیت‌های اقتصادی از طریق تجارت در بازارچه‌های مرزی، با توجه به افزایش تفاهم و دوستی، منابع اقتصادی ملت‌ها را به سوی فعالیت‌هایی که بهره‌وری بالاتری دارند، هدایت نموده، روند رشد و توسعه آن‌ها را سرعت بخشیده و فقر و بیکاری را به عنوان موانع اصلی تحقق توسعه روستایی کم‌رنگ می‌نماید (Chandoevrit, 2004:145)؛ به‌علاوه بازارچه مرزی به عنوان یک کارکرد مکمل فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند زمینه را برای کاهش وابستگی و بهره‌برداری بیش از حد از زمین و منابع طبیعی روستایی فراهم آورد و از سویی دیگر، موجب افزایش امنیت غذایی مردمان روستایی مناطق مرزی شود (WFP/FAO, 2011:2). بازارچه‌های مرزی کانون‌هایی هستند برای به تحرک واداشتن نواحی روستایی به منظور حضور جدی‌تر در توسعه منطقه‌ای و ملی و راهبردی برای خروج این مناطق به واسطه افزایش همکاری‌های ملی و بین‌المللی از انزوای اقتصادی و جغرافیایی (Szalontai, 2011:59). در واقع تأسیس بازارچه‌های مرزی به عنوان راهبردی که موجب پویایی و تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی می‌گردد، توانایی حل بسیاری از معضلات کنونی روستاهای مرزی و حرکت آن‌ها در مسیر توسعه را دارد. جمع‌بندی توصیف‌های مذکور، از تأثیر مثبت بازارچه‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی مرزی را می‌توان در مدل مفهومی پژوهش (شکل ۲) مشاهده نمود؛ همان‌طور که شکل دو به عنوان مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهد؛ تأسیس بازارچه‌ها در روستاهای مرزی در بعد اقتصادی با افزایش شاخصه‌هایی چون: درآمد، اشتغال و کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار و در بعد اجتماعی نیز با زمینه‌سازی جهت افزایش خدمات عمومی و زیربنایی و بهبود و ارتقای شاخصه‌های اجتماعی به توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای مناطق مرزی منجر می‌گردد.



شکل شماره (۲): مدل مفهومی پژوهش

با توجه به گسترده بودن کشور و تعدد همسایه‌های مرزی، پژوهش‌های مختلفی درباره ایجاد بازارچه‌ها و تأثیرات آن‌ها بر روی مناطق مختلف صورت گرفته که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است. در بسیاری از پژوهش‌هایی که در ارتباط با تأثیرگذاری بازارچه‌های مرزی بر نواحی پیرامون آن صورت گرفته، بیشتر جنبه‌های اقتصادی مدنظر بوده؛ این امر موجب شده که بسیاری از تأثیرات غیرمستقیم و حتی مستقیم تأسیس بازارچه‌ها که بیشتر در ابعاد اجتماعی جای می‌گیرند، در بررسی‌های مدنظر قرار نگیرد و یا اینکه تنها بررسی‌ها به دوره بعد از تأسیس بازارچه معطوف شده اند، از سویی دیگر، جامعه آماری پژوهش‌های قبلی بسیار اندک بوده در حد افرادی است که به عنوان پیلهور در بازارچه‌ها مشغول به کار هستند؛ بدین‌سان، در این پژوهش بادی سیستمی و کاربردی به منظور دستیابی به شناختی جامع و به دور از ذهنی‌نگری سعی شده که بررسی‌ها معطوف به دوره قبل و بعد از تأسیس بازارچه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی باشد که تمامی جوانب را تا حدود زیادی پوشش دهد. از سویی به منظور واقع‌گرا بودن نتایج و روایی پژوهش علاوه بر روستاییانی که در فعالیت بازارچه مشارکت داشته‌اند، مسئولین توسعه روستایی منطقه نیز به عنوان گروهی دیگر، مورد ارزیابی قرار گرفتند تا با مقایسه نظرات آن‌ها، چگونگی تأثیرگذاری کلی بازارچه در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها پیرامون مشخص شود.

جدول شماره (۱): پیشینه تحقیق

محققین	عنوان پژوهش	نتایج
اسماعیل‌زاد ه (۱۳۹۲)	ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها	از نتایج این تحقیق می‌توان گفت که بازارچه مرزی تأسیس شده، توانسته است بر روی بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان مؤثر باشد اما در مهار پدیده قاچاق و فعالیت‌های غیررسمی ناتوان بوده است.
صیامی و دربان آستانه (۱۳۹۱)	بازتاب‌های فضایی کارکردی بازارچه‌های مرزی بر اقتصاد و امنیت پسرکرانه‌های شهری و روستایی ایران	نتایج تحقیق حاکی از این واقعیت است که بازارچه‌ها در هر سه استان تأثیرگذاری مثبتی بر روی اقتصاد پسرکرانه‌های خود داشته‌اند
پاشازاده و خداکریمی (۱۳۹۱)	نقش بازارچه مرزی در امنیت مناطق مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی شهرستان بيله سوار)	این پژوهش با بهره‌گیری از توزیع پرسشنامه و آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که بازارچه مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد توانسته است، نقش مؤثری بر توسعه اقتصادی منطقه داشته باشد و موجب کاهش بیکاری و قاچاق و افزایش اشتغال و تنوع شغلی شود.
عاشری (۱۳۹۱)	ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، احداث بازارچه مرزی و نقش آن‌ها در توسعه مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی جوانرود)	دستاورد‌های این تحقیق که حاصل پژوهش میدانی از بازارچه جوانرود است، گویای تأثیر مثبت بازارچه بر افزایش اشتغال، بهبود دسترسی روستاییان به مایحتاج و افزایش درآمد آن‌ها است.
اگنس ^۱ (۲۰۱۱)	دستاورد‌های حاصل از همکاری‌های مشترک مناطق مرزی، (نقش مناطق مرزی در توسعه تجارت،)	این مقاله که مطالعه‌ای بر روی شهری مرزی در کشور لهستان است، با مقایسه وضعیت این شهر از لحاظ وضعیت زیرساخت‌ها و مکان‌های تجاری داخل شهر از طریق نقشه‌های چند سال اخیر و پیمایش میدانی بیان می‌کند که رونق تجارت مرزی سبب بهبود زیرساخت‌ها، افزایش اشتغال بیکاران به واسطه افزایش مشاغل خرد و تعداد گردشگران شده است.
هدایت‌زاده ^۲ (۲۰۱۰)	تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی استان آذربایجان غربی	داده‌های مورد نیاز با استفاده از آمارهای سازمان‌های مربوطه و توزیع پرسشنامه و مصاحبه با تجار بازارچه‌های مرزی جمع‌آوری شده و در نهایت تجزیه و تحلیل‌ها نشان از پتانسیل بالای استان آذربایجان غربی در توسعه تجارت مرزی و تأثیر مثبت بازارچه‌ها بر توسعه و افزایش اشتغال نواحی مرزی، بهبود سطح زندگی تجار و تغییر شیوه‌های سنتی تجارت، تسهیل صادرات و واردات و دسترسی به کالاهای مورد نیاز دارد.
بیسی ^۳ (۲۰۰۶)	نقش همکاری‌های مرزی بر توسعه مناطق روستایی در آینده اروپای جدید	تحقیق به دنبال شناسایی مشکلات، ویژگی‌ها و فرصت‌های توسعه نواحی روستایی مرزی به دنبال تغییرات مرزی در کشورهای اروپایی است. نتایج حاصله از پژوهش به شرح زیر است: - آینده نواحی مرزی وابسته به میزان توجه به نواحی مرزی و تغییرات کیفیت زندگی این نواحی است. - تغییرات مرزی سرزمین‌های اروپایی همکاری و ارتباط مشترک در مرزها را به عنوان یک ویژگی بارز در مناطق مرزی مطرح نموده است. - توسعه نواحی روستایی در مناطق مرزی وابسته به گفتگو و اعتمادسازی همسایه‌ها است.

^۱ Agnes^۲ Hedayatzade^۳ Bacsi

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی است. روش انجام این تحقیق در بخش نظری، کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی بوده است. در روش کتابخانه‌ای از فیش، گزارش‌ها، مقالات و آمارهای سازمان‌های مربوطه و در شیوه میدانی از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. با توجه به هدف تحقیق، دو گروه مسئولین (سازمان‌های مرتبط با توسعه روستاها) و خانوارهای روستایی ساکن در ۳۱ روستای دارای سکنه بخش خاو و میرآباد که اجازه فعالیت در بازارچه را داشته‌اند، جامعه آماری مورد بررسی بوده اند. جهت تعیین حجم نمونه در گروه خانوارهای روستایی، با توجه به اینکه این بخش طبق سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۱۱۴۰۷ نفر جمعیت و ۲۷۳۶ خانوار و ۳۱ روستا بوده است، ابتدا بر اساس فرمول کوکران و سپس اعمال فرمول تصحیح^۴ آن، تعداد ۱۷۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند و تعداد کل پرسشنامه‌ها مشخص گردید. در ادامه با توجه به عامل فاصله از مرز، روستاها طبقه‌بندی شده است؛ حداکثر فاصله روستاها از مرز با کشور عراق ۲۱ کیلومتر است؛ بر این اساس روستاهای این بخش به سه دسته (دور - متوسط - نزدیک) تقسیم شد؛ از طبقه اول به دلیل دارا بودن ۶۰ درصد روستاها ۳ نمونه و از طبقات دوم و سوم هر یک با داشتن ۲۰ درصد روستاهای بخش یک روستا به عنوان نمونه انتخاب گردید که در مجموع ۵ روستا یعنی ۱۵ درصد کل روستاها به عنوان نمونه تعیین گردید. انتخاب روستاهای نمونه در هر دسته نیز به صورت تصادفی و با بهره‌گیری از روش قرعه کشی در دسته‌های مربوطه هر روستا بوده است. سپس با توجه به نمونه‌گیری منطبق، سهم هر روستا از تعداد پرسشنامه‌ها مشخص شده و پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی ساده در میان سرپرستان خانوار توزیع گردید.

جدول شماره (۲): روستاهای نمونه و توزیع تعداد کل پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها

طبقه	روستا	تعداد خانوار	حجم نمونه
اول (۷-۰) کیلومتر	ده روران	۷۰	۱۷
	ساوجی	۲۷۳	۶۵
	سعداباد	۸۷	۲۱
دوم (۷-۱۴) کیلومتر	برده رشه	۱۹۸	۴۷
سوم (۱۴-۲۱) کیلومتر	سیف سفلی	۱۰۴	۲۵
جمع	۵	۷۳۲	۱۷۵

^۴ جهت دستیابی به حجم نمونه کوچکتر با همان دقت اولیه در فرمول اصلی کوکران، n (حجم نمونه تعیین شده در فرمول اصلی کوکران)، N (حجم جامعه):

$$n = n / [1 + (n/N)]$$

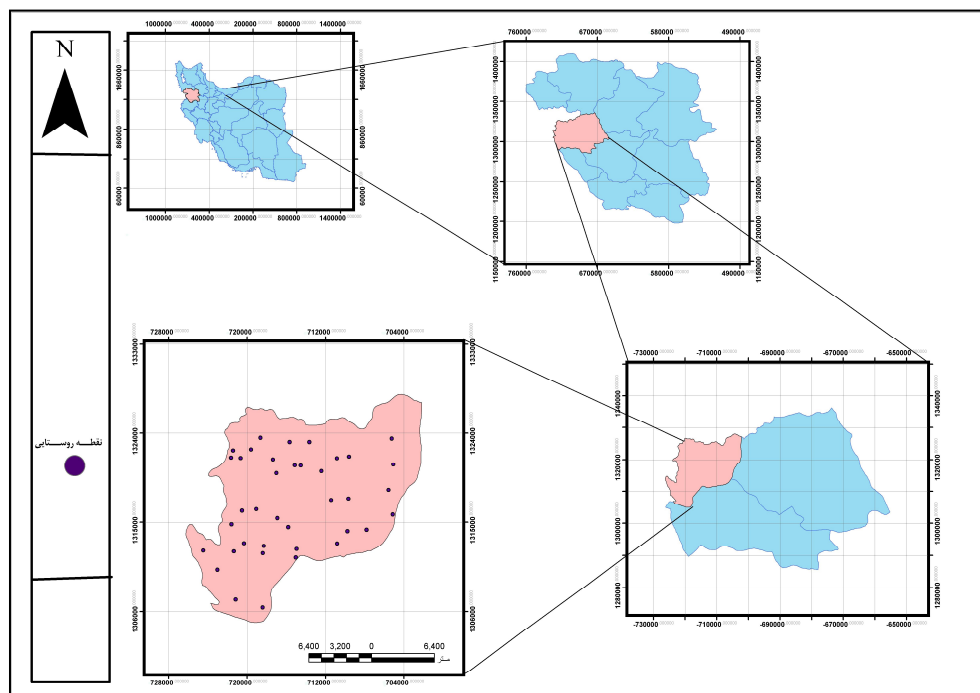
گروه بعدی مسئولان مرتبط با توسعه روستاهای بخش بوده است که با توجه به تعداد کم مسئولان، ۱۲ پرسشنامه (شامل: کارشناسان بخشداری (۴ کارشناس)، فرمانداری (۱ کارشناس)، شورا و دهیاری‌ها (۵ کارشناس)، مسئول مرکز خدمات کشاورزی و شرکت تعاونی روستاها (۲ کارشناس) در میان آنان توزیع شد. سؤالات مورد استفاده در پرسشنامه به صورت چند جوابی و بسته شده است. اکثریت سؤالات دارای ۵ گزینه پاسخ هستند که بر اساس طیف لیکرت بوده تنظیم گردیده اند. به منظور سنجش کیفیت اثرگذاری بازارچه در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها با توجه به مطالعات پیشین و شرایط منطقه، پرسشنامه‌ها در دو بعد اقتصادی و اجتماعی، ۵ مؤلفه اشتغال، درآمد، هزینه‌های زندگی، خدمات و امکانات و مسائل اجتماعی و ۲۴ متغیر دسته‌بندی و در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. روایی پرسشنامه به واسطه تأیید مسئولانی که به منظور تکمیل پرسشنامه انتخاب شده بودند، آگاهان و متخصصان که سابقه مطالعات مشابه در منطقه مورد مطالعه را داشته‌اند و پایایی پرسشنامه نیز با توجه به مقدار (۸۱٪) ضریب آلفای کرونباخ که در نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است، مورد تأیید است. در ادامه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آزمون ویلکاکسون و ضرایب همبستگی کندال و اسپیرمن استفاده شده است.

جدول شماره (۳): شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مورد سنجش

متغیر	مؤلفه	ابعاد
افزایش اشتغال	اشتغال	اقتصادی
اشتغال زنان		
کاهش بیکاری		
افزایش درآمد	درآمد	
افزایش درآمد دهیاری‌ها		
کیفیت درآمد حاصل از فعالیت در بازارچه		
تأثیر بازارچه بر درآمدهای قاچاق		
مقایسه درآمد حاصل از بازارچه نسبت به سایر منابع درآمدی	هزینه‌های زندگی	
شیوه هزینه کرد درآمد حاصل از بازارچه		
میزان وابستگی درآمدی به بازارچه		
تغییر در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی	خدمات و امکانات	
افزایش خدمات عمومی و زیربنایی		
امنیت	مسائل اجتماعی	اجتماعی
تسهیل عبور و مرور به کشور همسایه		
افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت		
نقش روستاییان در اداره بازارچه		
کاهش مهاجرت		
ارتقای شغلی		
افزایش شان اجتماعی		
افزایش امنیت شغلی		

منبع: یگانه، ۱۳۹۰: ۸۶؛ عاشری، ۱۳۹۰: ۱۲؛ کامران، ۱۳۸۹: ۲۲؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲.

شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان است که در غرب استان و در مجاورت خاک عراق با طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۵ درجه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۰۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی، سرشیو و خاو و میرآباد است. بخش خاوومیرآباد با مساحتی بالغ بر ۳۳۸ کیلومترمربع دارای ۳۱ روستا دارای سکنه و در منطقه صفر مرزی در همسایگی کشور عراق واقع گردیده است. فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و تشابهات متعدد با کشور همسایه از دیرباز نقش مهمی در اشتغال و تأمین درآمد مردمان منطقه داشته است.



شکل شماره (۳): نمایش موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که تمامی پاسخ‌دهندگان در هر دو گروه مسئولین و سرپرستان خانوار مرد بوده‌اند. از حیث سن، ۱۶/۶ پاسخ‌گویان در سن ۲۰-۳۰ سال، ۳۶/۹ افراد در سن ۳۱-۴۰، ۲۷/۳۱،۸-۴۰ در سن ۴۱-۵۰ و ۱۸/۷ در سنین بالای ۵۱ سال قرار داشته‌اند. از نظر تحصیلات ۱۲/۸ افراد بی‌سواد، ۴۱ درصد در سطح ابتدایی، ۱۵ درصد راهنمایی، ۲۲ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم و ۹/۱ پاسخ‌گویان در سطح لیسانس و بالاتر بوده‌اند. قریب به ۹۸ درصد پاسخ‌دهندگان نیز از ساکنان اصلی روستای محل اقامت خود بوده‌اند (جدول ۴).

جدول شماره (۴): توزیع پرسشنامه‌ها از نظر گروه‌های سنی، تحصیلات و اقامت

شاخص	طبقه	فراوانی	درصد
سن	۳۰-۲۰	۳۱	۱۶/۶
	۴۰-۳۱	۶۹	۳۶/۹
	۵۰-۴۱	۵۲	۲۷/۸
	۵۱ سال به بالا	۳۵	۱۸/۷
	مجموع	۱۸۷	۱۰۰
تحصیلات	بی‌سواد	۲۴	۱۲/۸
	ابتدایی	۷۶	۴۱
	راهنمایی	۲۸	۱۵
	دیپلم و فوق‌دیپلم	۴۲	۲۲
	لیسانس و بالاتر	۱۷	۹/۱
	مجموع	۱۸۷	۱۰۰
اقامت	اصیل	۱۷۱	۹۷/۷
	غیر اصیل	۴	۲/۳
	مجموع	۱۷۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

اول، اثرات اقتصادی بازارچه

بررسی‌ها نشان داد که در بعد اقتصادی و در متغیر اشتغال ۵۲ درصد افراد توانایی بازارچه را در ایجاد و افزایش اشتغال در سطح کم و خیلی کمی ارزیابی نموده‌اند و حتی ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان بیکاری را در روستای خود بعد از تأسیس بازارچه در سطح خیلی زیاد و زیاد می‌دانند. با توجه به پاسخ‌ها و مصاحبه با روستاییان، دلیل این امر کاهش چشمگیر فعالیت‌های قاچاق بعد از تأسیس بازارچه و عدم توانایی بازارچه در ایجاد مشاغل جایگزین به صورت گسترده است. ۵۳ درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشتند که بازارچه توانسته اشتغال بالایی را برای افراد غیربومی که از نظر پاسخ‌دهندگان بیشتر شهرنشینان باشند، مهیا نماید. هرچند که روستاییان ورود فراوان شهرنشینان را عاملی در کاهش سود و مانعی برای فعالیت خود در بازارچه می‌دانند. علت ورود زیاد شهرنشینان را می‌توان سرمایه و اطلاعات بیشتر در ارتباط با ورود کالا و تجارت دانست.

جدول شماره (۵): پاسخ روستاییان به متغیرهای میزان بیکاری و ایجاد اشتغال به وسیله بازارچه

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		متغیر
درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	
۹/۷	۱۷	۱۲	۲۱	۲۶/۳	۴۶	۳۲	۵۶	۲۰	۳۵	توانایی بازارچه در ایجاد اشتغال
۱۰/۹	۱۹	۲۹/۷	۵۲	۳۲/۶	۵۷	۱۶/۶	۲۹	۱۰/۳	۱۸	میزان بیکاری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

از لحاظ مؤلفه درآمد، ۱۰۲ نفر (۵۸ درصد) از پاسخ‌گویان میزان درآمد حاصله از فعالیت‌های بازارچه را کمتر از درآمدهای فعالیت‌های کشاورزی و زراعت به عنوان اشتغال غالب می‌دانند (جدول ۶). از سویی دیگر، با توجه به اینکه در مصاحبه‌ها بیشتر افراد درآمدهای بازارچه را در حد مصارف جاری خانواده می‌دانستند، می‌توان پی‌برد که درآمدهای بازارچه برای روستاییان کم و ناکافی است. این امر را پاسخ ۷۱ نفری روستاییان به کاهش درآمدها نسبت به قبل از تأسیس بازارچه که فعالیت‌های قاچاق رواج داشته است، تأیید می‌کند (جدول ۶).

جدول شماره (۶): چگونگی تغییرات سایر متغیرهای اقتصادی بعد از احداث بازارچه مرزی از دید روستاییان

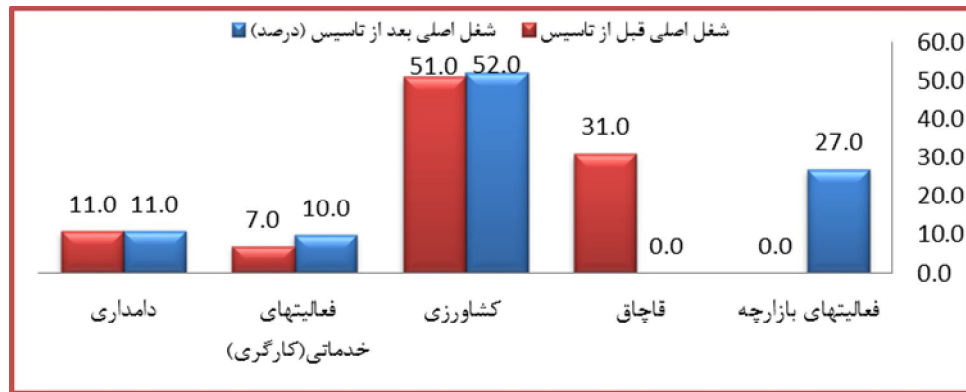
رشد تغییرات	بعد از تأسیس بازارچه (نفر)			متغیر	مؤلفه
	کمتر شده	بیشتر شده	تفاوت چندانی نکرده		
منفی	۷۱	۴۸	۵۶	سطح درآمد	درآمد
مثبت	۱۵۷	۱۱	۹	درآمد قاچاق	
بدون تغییر	۲۷	۶۴	۸۴	درآمد دهیاری	
منفی	۱۰۲	۵۴	۱۹	مقایسه درآمد بازارچه نسبت به درآمدهای کشاورزی	
مثبت	۴۷	۹۳	۳۵	اشتغال غیربومیان	اشتغال

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

ساختار اشتغال روستاییان، به دنبال تأسیس بازارچه‌ها دچار تغییراتی شده است؛ به گونه‌ای که قبل از احداث بازارچه، قاچاق کالا شغل اصلی ۳۱ درصد و شغل جانبی ۴۲ درصد پاسخ‌گویان را تشکیل می‌داد اما بعد از تأسیس بازارچه، به واسطه اقدام‌هایی که در راستای انسداد مرزها و قانونمند نمودن مبادلات بازرگانی منطقه انجام گرفت، اشتغال در بازارچه جایگزین فعالیت‌های غیر رسمی قاچاق شده و به عنوان شغل اصلی ۲۷ درصد روستاییان و شغل جانبی ۶۳ درصد آن‌ها مطرح می‌گردد. در ارتباط مطرح بودن کشاورزی به عنوان شغل اصلی روستاییان منطقه قبل و بعد از تأسیس بازارچه تغییر چندانی به چشم نمی‌خورد؛ تنها تغییر قابل ذکر در این ارتباط، کاهش یافتن کشاورزی از شغل جانبی ۲۴ درصد روستاییان قبل از تأسیس بازارچه به شغل جانبی ۹ درصد از روستاییان است، این کاهش را می‌توان با

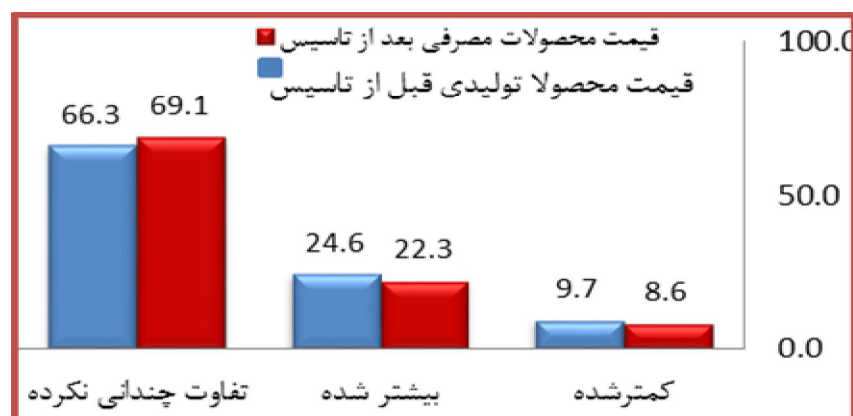
ایجاد بازارچه ها و مشغول شدن روستاییان در فعالیت‌های بازارچه و مشاغل خدماتی دیگری که به واسطه تأسیس بازارچه ایجاد شده است، تبیین نمود؛ هرچند که درصد افزایش اشتغال به مشاغل خدماتی بعد از تأسیس بازارچه‌ها آنقدر نبوده است که بتوان آنرا نسبت به قبل از تأسیس، چشمگیر دانست.

بنابراین تأسیس بازارچه با حذف فعالیت‌های قاچاق همراه بوده است. از این رو روستاییان به دنبال حذف قاچاق به فعالیت در بازارچه روی آورده‌اند؛ البته فعالیت در بازارچه بیشتر به عنوان شغل جانبی و دوم روستاییان مطرح است. کاهش چشمگیر قاچاق و جایگزینی آن با فعالیت‌های رسمی و قانونی در بازارچه به عنوان شغل جانبی و مکمل فعالیت‌های کشاورزی بیشتر روستاییان روندی مثبت تلقی می‌شود، هر چند که کیفیت اشتغال و متوسط درآمد حاصله به گونه‌ای نیست که تکمیل‌کننده این روند مثبت باشد. کشاورزی در دوره قبل از تأسیس بازارچه و بعد از آن همچنان به عنوان اشتغال غالب مطرح است؛ با توجه به کشاورزی سنتی، بعد خانوار بالا و اینکه تنها سرپرستان خانوار در بازارچه اجازه فعالیت دارند و انجام فعالیت‌های کشاورزی نیز بیشتر توسط آن‌ها صورت می‌گیرد، سایر اعضای خانواده که در سنین فعالیت اقتصادی قرار دارند و قبلاً به قاچاق می‌پرداختند، اکنون بیکار هستند و بالطبع در جست و جوی کار به شهرها مهاجرت می‌کنند. مشاغل خدماتی هم که می‌بایست در راستای تأسیس بازارچه گسترش می‌یافت، تغییری نسبت به قبل از تأسیس نداشته است. بنابراین تغییر محسوسی مبنی بر گرایش روستاییان به سمت شغل‌های خدماتی مانند (راننده، مغازه‌دار یا غرفه داری بازارچه و تاجر) دیده نمی‌شود. یکی از دلایل عمده این امر کمبود و نبود امکانات رفاهی در خود بازارچه برای روستاییان است؛ بنابراین نشانی از وجود غرفه و مغازه‌هایی که برطرف‌کننده نیاز روستاییان باشد، مشاهده نمی‌شود. از سویی راه‌های دسترسی به بازارچه نیز چندان وضعیت مطلوبی را ندارند که مشاغلی مانند رانندگی را ایجاد نمایند. کمبود سرمایه و عدم اطلاع کافی از شیوه‌های تجارت نیز مانعی عمده در جهت ایجاد گسترده مشاغلی مانند پیله‌وری، تاجر بودن و حضور فعال روستاییان در بازارچه گشته است. در نتیجه شهرنشینان ورود بیشتری داشته‌اند، تا همان طوره که روستاییان در مصاحبه‌ها بدان اذعان داشتند، منتفع برندگان اصلی از فعالیت‌های بازارچه شهرنشینان باشند.



شکل شماره (۴): ساختار اشتغال روستاییان قبل و بعد از تأسیس بازارچه (مشاغل اصلی)

پاسخ‌های داده‌شده در مورد تأثیر بازارچه بر اشتغال زنان تفاوت‌چندانی را با قبل از تأسیس بازارچه نشان نمی‌دهد؛ به گونه‌ای که همچنان بیکاری زنان درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد، در واقع نوع مشاغل ایجاد شده و وضعیت زیرساخت‌ها و امکانات به گونه‌ای نیست که زنان بتوانند در فعالیت‌های بازارچه سهیم شوند. در دو متغیر قیمت فروش محصولات تولیدی و محصولات مصرفی نیز همان طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، وضعیت روستاییان تغییر چندانی با قبل از تأسیس بازارچه نداشته است؛ دلیل این امر معطوف بودن بازارچه به واردات کالا است، کالاهایی که واردکردن آن‌ها نیاز به سرمایه‌ای دارد که بیشتر روستاییان فاقد آن هستند؛ از سویی دیگر کالاهای مصرفی هم که وارد می‌شود، مستقیماً به شهر برده شده و حتی روستاییان می‌بایست همان کالاها را در شهر با قیمت بالاتری خریداری نمایند. بنابراین روستاییان سهمی از کاهش قیمت و تنوع مصرفی در کالاهای مورد نیاز خود و یا سود حاصله نداشته و این محصولات و سود آن‌ها بیشتر در اختیار شهرنشینان قرار می‌گیرد.



شکل شماره (۵): تغییر قیمت محصولات مصرفی و تولیدی قبل و بعد از تأسیس بازارچه

وضعیت سایر متغیرهای اقتصادی در جدول ۶ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، با تأسیس بازارچه جدید، فعالیت‌های غیررسمی (قچاق) به شدت کاهش یافته است. همچنین بازارچه

جدید موجب اشتغال غیربومیان (شهرنشینان) شده است؛ البته غیربومیان بیشتر روستاییان بخش هستند که به شهر مهاجرت کرده و ساکن هستند و حال به عنوان تاجر و تاحدی نیروی کار در بازارچه مشغول به فعالیت هستند و در روستاهای بخش ساکن نمی‌باشند؛ بنابراین تأسیس بازارچه نقشی در جمعیت‌پذیری روستاها نداشته است.

دوم، اثرات اجتماعی بازارچه

یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد افراد پاسخ‌دهنده از شیوه فعالیت و شغل فعلی خود در بازارچه، رضایت کم و خیلی کمی دارند و تنها ۱۹ درصد افراد رضایت زیاد یا خیلی زیادی از شغل و شیوه فعالیت خود دارند. ۲۳ درصد پاسخ‌دهندگان نیز اظهار رضایت متوسطی داشته‌اند؛ دلیل این عدم رضایت را می‌توان در پاسخ روستاییان به بیشترین شغل ایجادشده در بازارچه یافت. ۷۸ درصد پاسخ‌گویان کارگری ساده (حمل بار) را بیش‌ترین شغل ایجادشده بازارچه می‌دانند (شکل ۶) که درآمد بسیار کمی دارد. پاسخ‌گویان در زمینه اینکه بازارچه به چه میزان موجب ارتقای شغلی آن‌ها شده است، ۷۵ درصد به سطح رضایت کم و خیلی کم پاسخ داده‌اند. روستاییان در مصاحبه‌ها دلایل عمده این امر را درآمد اندک و شرایط سخت فعالیت در بازارچه بیان می‌کردند. این در حالی است که قبلاً درآمد روستاییان از فعالیت‌های غیررسمی با شرایطی آسان‌تر به مراتب بیشتر بوده است. بازتاب این ضعف‌ها را می‌توان در ناموفق بودن بازارچه از لحاظ افزایش میل ماندگاری روستاییان دید؛ چرا که ۵۲ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که با وضعیت فعلی تمایل چندانی (گزینه‌های کم و خیلی کم) برای ماندن در روستا ندارند.

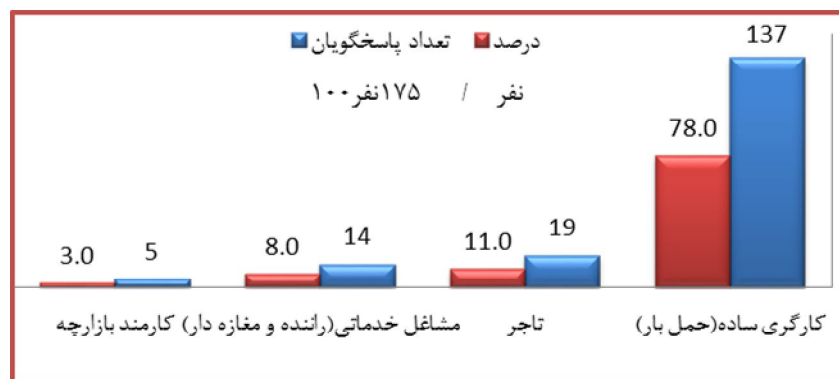
جدول شماره (۷): چگونگی تغییرات برخی متغیرهای اجتماعی بعد از احداث بازارچه مرزی از دید روستاییان

متغیر		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
		درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر	درصد	نفر
رضایت از شغل و شیوه فعالیت در بازارچه		۲۳/۳	۶۲	۳۵/۴	۴۰	۲۳	۲۳	۱۰/۹	۱۹	۸/۶	۱۵
ارتقای شغلی		۳۰/۹	۷۷	۴۴	۲۱	۱۲	۱۲	۸	۱۴	۵/۱	۹
تمایل به ماندن در روستاها		۲۱/۷	۵۳	۳۰/۳	۳۹	۲۲/۳	۳۹	۱۴/۳	۲۵	۱۱/۴	۲۰

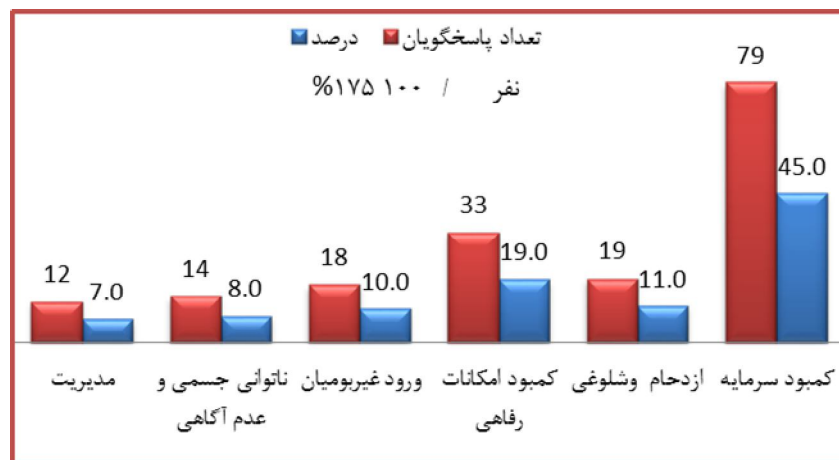
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

۹۲ درصد پاسخ‌گویان نقش روستاییان را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بازارچه کم و خیلی کم می‌دانند و اظهار کرده‌اند که نقش روستاییان در اداره بازارچه تنها کارگری ساده است. روستاییان (سرپرستان خانوار) در پاسخ به این پرسش که کدام عامل بیش‌ترین نقش را به عنوان مانع، در فعالیت مطلوب شما در بازارچه دارد؛ اظهار داشته‌اند که کمبود سرمایه مهم‌ترین مانع به منظور فعالیت در

بازارچه است. با توجه به اینکه فعالیت بازارچه بیشتر معطوف به واردات است، این امر می‌تواند مانعی جدی در ارتباط با حضور روستاییان کم سرمایه باشد و زمینه را برای منتفع شدن عده‌ای سرمایه‌دار شهری فراهم کند. در مصاحبه با روستاییان از حضور شهرنشینان (غیربومیان) به عنوان عاملی در شلوغی و مانعی جهت حضور فعال آن‌ها نامبرده می‌شد؛ این در حالی است که اجازه فعالیت تنها در اختیار روستاییان منطقه است. کمبود امکانات و زیرساخت‌ها و عدم اطلاع از شیوه‌های تجارت موانع بعدی حضور روستاییان در بازارچه به‌شمار می‌رود (شکل ۷).



شکل شماره (۶): توزیع پاسخ‌گویان در مشاغل ایجادشده بازارچه



شکل شماره (۷): وضعیت پاسخ‌گویی به موانع فعالیت در بازارچه

۴۴/۶ درصد (۷۸ نفر) از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که به دنبال تأسیس بازارچه، سطح امنیت آن‌ها نسبت به قبل ارتقا یافته است؛ بنابراین بازارچه در این متغیر تأثیرگذاری مثبتی برجای گذاشته است. علت این امر در مصاحبه با روستاییان، حذف فعالیت‌های قاچاق ذکر شد؛ زیرا به دلیل برخوردهای انتظامی که با قاچاق کالا به عنوان فعالیتی غیررسمی انجام می‌گرفت، در بسیاری اوقات روستاییان متحمل خسارت‌های جانی و مالی می‌شدند. ۴۴ درصد (۷۷ نفر) پاسخ‌دهندگان، تأسیس بازارچه جدید را

عاملی در تسهیل عبور و مرور به کشور عراق می‌دانند؛ با توجه به اینکه بیشتر روستاییان دارای وابستگی‌های فامیلی با کردستان عراق هستند، نیاز به تسهیل عبور و مرور در منطقه کاملاً احساس می‌شد. اما بازارچه جدید از دید ۳۸/۸ (۶۸ نفر) پاسخگویان نتوانسته است شأن اجتماعی آن‌ها را ارتقا دهد، درآمد کم حاصل از فعالیت در بازارچه، کیفیت اشتغال ایجادشده، همان طور که بیان شد، در حد کارگری ساده و حمل بار است و بی‌نظمی‌هایی که به منظور دریافت اجناس برای حمل توسط روستاییان در بازارچه وجود دارد، مهم‌ترین دلایل رقم خوردن چنین وضعیتی هستند. از حیث خدمات عمومی و زیرساخت‌ها نیز با توجه به اینکه ۴۷ درصد افراد (۸۲ نفر) اظهار داشته‌اند که وضعیت کنونی تفاوت چندانی با گذشته نداشته است و در مقابل ۳۹ درصد افراد (۶۸ نفر) نیز به بهبود خدمات و زیرساخت‌های عمومی نسبت به قبل پاسخ گفته‌اند می‌توان گفت که به دنبال تأسیس، بازارچه توانسته تغییراتی مثبت در این شاخص ایجاد نماید اما این تغییرات از لحاظ کمیت و کیفیت به گونه‌ای نبوده که موجب رضایت عموم روستاییان باشد.

جدول شماره (۸): چگونگی تغییرات سایر متغیرهای اجتماعی بعد از احداث بازارچه مرزی از دید روستاییان

مؤلفه	متغیر	بعد از تأسیس بازارچه (نفر)		
		تفاوت چندانی نکرده	بیشتر شده	کمتر شده
خدمات و امکانات	خدمات عمومی و زیربنایی	۸۲	۶۸	۲۵
مسائل اجتماعی	امنیت شغلی	۴۱	۹۷	۳۷
	شأن اجتماعی	۶۱	۴۶	۶۸
	آسانی عبور و مرور	۵۵	۷۷	۴۳
	افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت	۷۲	۹۱	۱۲
	امنیت	۶۳	۷۸	۳۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

فرضیه اول این تحقیق مبین این مطلب بود که تأسیس بازارچه جدید موجب توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای پیرامون شده است. جهت بررسی فرضیه با استفاده از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (جدول ۳) در دو گروه مسئولین و مردم، تأثیرات بازارچه مرزی تأسیس شده مورد تحلیل قرار گرفت. به دلیل اینکه مقایسه متغیرهای وابسته در دو دوره قبل و بعد از تأسیس بازارچه مد نظر بوده، از آزمون ویلکاکسون استفاده شده است. با توجه به جدول ۹ و نتایج حاصل از آزمون ویلکاکسون از دیدگاه روستاییان و با توجه به میزان احتمال محاسبه شده (۰/۰۰۰) که در شاخص‌های بهبود امنیت و کاهش درآمدهای قاچاق و (۰/۲۸۰) و در امنیت شغلی کوچک‌تر از ناحیه رد، در سطح آلفای ۰/۰۵ است، فرض H0 (عدم وجود رابطه) به نفع فرض H1 (وجود رابطه) رد می‌شود و می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان

پذیرفت که بین تأسیس بازارچه و کاهش درآمدهای حاصل از قاچاق و افزایش امنیت و امنیت شغلی روستاییان رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. در شاخص‌های کاهش بیکاری، کاهش فقر، افزایش قیمت محصولات تولیدی، کاهش قیمت محصولات مصرفی، کاهش مهاجرت، ارتقای رضایت شغلی، با توجه به بزرگ‌تر بودن مقدار احتمال محاسبه‌شده در جدول ۹ از سطح آلفای ۰/۰۵ فرض H_0 (عدم وجود رابطه) به نفع فرض H_1 (وجود رابطه) رد نمی‌شود، در واقع رابطه‌ای معنی‌دار بین این شاخص‌ها و تأسیس بازارچه مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره (۹): تأثیر بازارچه بر مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی قبل و بعد از تأسیس از دیدگاه روستاییان

متغیر	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	سطح معنی‌داری	Z مقدار
وضعیت بیکاری	۸۳	۶۱	۳۱	۰/۱۸۲	-۱/۳۳۵
کاهش فقر	۷۷	۵۷	۴۱	۰/۱۰۴	-۱/۶۲۶
افزایش درآمد	۳۶	۶۵	۷۴	۰/۲۹۲	-۱/۰۵۵
کاهش درآمدهای قاچاق	۸	۱۴۵	۲۲	۰/۰۰۰	-۹/۹۳۸
افزایش قیمت فروش محصولات	۳۳	۳۰	۱۱۲	۰/۱۶۵	-۱/۳۹۰
کاهش قیمت محصولات مصرفی	۳۳	۲۹	۱۱۳	۰/۳۱۱	-۱۰/۱۴
مهاجرت کاهش میل	۷۴	۵۷	۴۴	۰/۱۱۶	-۱/۵۷۱
بهبود امنیت	۷۶	۲۲	۷۷	۰/۰۰۰	-۱/۵۷۸
امنیت شغلی	۹۱	۵۲	۳۲	۰/۰۲۸	-۲/۱۹۱
ارتقای رضایت شغلی	۵۷	۷۴	۴۴	۰/۱۳۲	-۱/۵۰۸
توسعه اقتصادی و اجتماعی، مجموع	۷۷	۸۳	۱۵	۰/۲۵۱	-۱/۱۴۷

از دیدگاه مسئولین نیز در شاخص‌های کاهش بیکاری، فقر، افزایش درآمد، کاهش مهاجرت و افزایش شأن روستاییان مقدار احتمال محاسبه‌شده از سطح آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر بوده و این امر نشان می‌دهد که بین تأسیس بازارچه با شاخص‌های مذکور رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد و بازارچه نتوانسته است در شاخص‌های مذکور تغییر مثبتی نسبت به قبل از تأسیس ایجاد کند. در شاخص‌های افزایش امنیت، امنیت شغلی و کاهش مشاغل غیررسمی (قاچاق) با توجه به کوچک‌تر بودن مقدار احتمال محاسبه‌شده از سطح آلفای ۰/۰۵ فرض H_0 (عدم وجود رابطه) با ۹۵ درصد اطمینان به نفع فرض H_1 (وجود رابطه) رد می‌شود. بنابراین بین تأسیس بازارچه و شاخص‌های مذکور رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره (۱۰): اثرات احداث بازارچه بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی قبل و بعد از تأسیس از دیدگاه مسئولین

متغیر	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	سطح معنی‌داری	Z مقدار
کاهش بیکاری	۷	۳	۲	۰/۱۳۳	-۱/۵۰۳
کاهش فقر	۶	۳	۳	۰/۲۵۰	-۱/۱۵۰
افزایش درآمد	۲	۷	۳	۰/۱۸۵	-۱/۳۲۷
کاهش درآمدهای قاچاق	۰	۱۲	۰	۰/۰۰۱	-۳/۴۶۴
مهاجرت کاهش میل	۸	۲	۲	۰/۱۲۴	-۱/۵۳۹
بهبود امنیت	۱۲	۰	۰	۰/۰۰۱	-۳/۱۰۰
بهبود امنیت شغلی	۷	۱	۴	۰/۰۰۱	-۲/۴۹۰
ارتقای شأن اجتماعی	۳	۵	۴	۰/۲۵۷	-۱/۱۳۴
مجموع	۳	۶	۳	۰/۱۳۴	-۱/۴۹۹

در مجموع، جهت تبیین فرض اول تحقیق، ۱۰ شاخص اقتصادی و اجتماعی در دو گروه مردم و مسئولین مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۱۰ و ۹ می‌توان استنباط نمود که از دیدگاه مردم، تأسیس بازارچه جدید تنها بر روی شاخص‌ها افزایش امنیت و امنیت شغلی و کاهش فعالیت‌های قاچاق تأثیرگذاری مطلوبی داشته است اما بازارچه در توسعه و بهبود سایر شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مورد مطالعه شامل کاهش بیکاری، کاهش فقر، افزایش قیمت محصولات تولیدی، کاهش قیمت محصولات مصرفی، کاهش مهاجرت و ارتقای رضایت شغلی روستاییان ناتوان بوده است. از دیدگاه مسئولین نیز تأسیس بازارچه جدید توانسته است در بعد اقتصادی موجب کاهش فعالیت‌های غیررسمی قاچاق گردد و در بعد اجتماعی نیز تأسیس بازارچه بهبود امنیت و امنیت شغلی روستاییان را در پی داشته است. از دیدگاه مسئولین در سایر شاخص‌ها شامل کاهش بیکاری و فقر، افزایش درآمد، کاهش مهاجرت و افزایش شأن روستاییان، بازارچه جدید نتوانسته موجب ایجاد تغییرات مثبتی نسبت به قبل از تأسیس آن شود. بنابراین می‌توان گفت که هر دو گروه مردم و مسئولین معتقدند که بازارچه در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای اطراف تنها در شاخص‌ها امنیت، کاهش فعالیت‌های غیررسمی قاچاق و امنیت شغلی مؤثر بوده است و در توسعه و بهبود سایر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه نسبت به قبل از تأسیس ناموفق عمل کرده است. در آزمون نهایی ویلکاکسون برای اثبات تأثیرگذاری بازارچه در توسعه اقتصادی و اجتماعی با توجه به بزرگتر بودن مقدار احتمال محاسبه شده برای مردم (۰/۲۵۱) و مسئولین (۰/۱۳۴) از سطح آلفای ۰/۰۵ فرض H_0 (عدم وجود رابطه) تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه گرفت که هر دو گروه معتقدند که بازارچه نتوانسته است موجب توسعه

اقتصادی و اجتماعی روستاهای پیرامون گردد. بنابراین فرض اول تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری بازارچه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای اطراف توسط مردم و مسئولین رد می‌گردد.

به منظور آزمون فرضیه دوم که عبارت بود از اینکه بین میزان رضایت روستاییان از وضعیت کنونی بازارچه و شاخص‌های فردی (سن، تحصیلات، وابستگی درآمدی به بازارچه) ارتباطی معنی‌دار وجود دارد، از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و کندال b استفاده گردید، جهت اثبات معنی‌داری و همبستگی متغیرهای ترتیبی (رتبه‌ای) که بر اساس سؤالات پنج جوابی و با کدهای (۱) تا (۵) معرفی شده‌اند، این آزمون‌ها متناسب است. در این آزمون‌ها اگر میزان احتمال محاسبه شده کمتر از آلفای ۰/۰۵ باشد، با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان رابطه دو متغیر را اثبات نمود.

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۱۱، میزان احتمال محاسبه شده (۰/۰۰۰) بین میزان رضایت روستاییان با هر یک از شاخص‌های سن و وابستگی درآمدی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان به ارتباط معنی‌دار این متغیرها با یکدیگر پی‌برد؛ از سویی دیگر با توجه به ارزش همبستگی می‌توان گفت که همبستگی مثبت بین این متغیرها با میزان رضایت از وضعیت کنونی بازارچه وجود دارد. بنابراین در این متغیرها H_0 (عدم وجود ارتباط) رد می‌شود و می‌توان با توجه به میزان ارزش همبستگی پذیرفت هرچه وابستگی درآمدی به بازارچه و سن بیشتر باشد، میزان رضایت افراد نیز بیشتر است. در شاخص سطح تحصیلات نیز میزان احتمال محاسبه شده کمتر از آلفای ۰/۰۵ و میزان ارزش منفی به دست آمده است و این نشان از وجود رابطه منفی و معکوس بین این دو متغیر است. بنابراین هر چه میزان تحصیلات بالاتر باشد، میزان رضایت کمتر می‌شود. در مجموع با توجه به اینکه در تمامی شاخص‌ها سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است می‌توان پذیرفت که بین شاخص‌های فردی مورد سنجش و سطح رضایت روستاییان از وضعیت فعلی بازارچه رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق را تأیید نمود.

جدول شماره (۱۱): همبستگی بین میزان سطح رضایت روستاییان از وضعیت کنونی بازارچه با توجه به شاخص‌های فردی

شاخص‌های آماری	آزمون	ارزش	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
وابستگی درآمدی	اسپیرمن	۰/۶۴۱	۰/۰۰۰	رد H_0
	کندال b	۰/۶۳۶	۰/۰۰۰	رد H_0
سطح تحصیلات	اسپیرمن	-۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	رد H_0
	کندال b	-۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	رد H_0
سن	اسپیرمن	۰/۲۵۱	۰/۰۰۱	رد H_0
	کندال b	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰	رد H_0

۵) نتیجه‌گیری

لازمه‌ی توسعه، رفع عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و توزیع منافع و امکانات به صورت متعادل و هماهنگ است. در این راستا نقاط روستایی مناطق مرزی کشور به دلیل دوری از مرکز و فقدان بسترهای اقتصادی و صنعتی از اولویت بالایی به لحاظ سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برخوردارند. ناتوانی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، پایین بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است. دستیابی به توسعه در چنین وضعیتی نیازمند بهره‌برداری از تمامی امکانات و قابلیت‌های توسعه این مناطق از جمله تأسیس و گسترش بازارچه‌های مرزی است. بازارچه مرزی علاوه بر سرعت بخشیدن به تجارت در امر صادرات غیر نفتی، در رشد و شکوفایی و توسعه اقتصادی منطقه نیز مفید بوده و کمک بزرگی در اشتغال‌زایی هستند و علاوه بر اشتغال مستقیم تعداد زیادی از مردم منطقه اطراف بازارچه‌ها، موجبات اشتغال غیرمستقیم، کنترل مهاجرت‌های روستا شهری و حضور در عرصه‌های اقتصادی بزرگ‌تر را فراهم می‌آورند.

بر همین اساس در این مطالعه به بررسی تأثیرات بازارچه مرزی بر روی توسعه اقتصادی و اجتماعی روستایان بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان پرداخته شد. تجزیه و تحلیل‌ها نشان از همسانی دیدگاه مسئولین و مردم محلی دارد؛ چرا که معنی‌داری به دست آمده در هر دو گروه (مردم ۰/۲۵۱ و مسئولین ۰/۱۳۴) بزرگ‌تر از سطح آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت از نظر مردم و مسئولین بازارچه جدید در توسعه روستاها ناموفق بوده است، پاسخ‌ها حاکی از این واقعیت است که بازارچه توانسته است پدیده قاچاق کالا را کاهش دهد و به عنوان شغل جانبی برای اکثریت روستاییان عمل نماید، این در حالی است که کیفیت اشتغال و درآمد ایجادشده به گونه‌ای نیست که تکمیل‌کننده این روند مثبت باشد، زیرا مشاغل ایجادشده در حد کارگری ساده با درآمدی اندک و شرایطی دشوار است. حرکت بازارچه به سمت ایجاد مشاغل خدماتی می‌تواند راهگشایی مناسب به منظور برون‌رفت از این مشکل و ارتقای شغلی روستاییان باشد اما لازمه این امر بهبود زیرساخت‌هایی همچون راه‌های مواصلاتی به بازارچه، ایجاد غرفه‌های متعدد، تأمین اعتبارات به منظور استقرار خدمات رفاهی در بازارچه و همچنین تأمین سرمایه کافی برای روستاییان به صورت وام‌های بلندمدت و کم بهره است. از سویی، عملکرد بازارچه بر روی شاخصه‌های دیگری نظیر امنیت، امنیت شغلی و سهولت در عبور و مرور روستاییان به آن سوی مرزی نیز مثبت بوده است، اما فقدان حمایت‌های کافی موجب گشته که بازارچه برای روستاییان کم رونق و نامطمئن به نظر رسد، تا نتیجه این امر عدم موفقیت بازارچه در کنترل روند مهاجرت، بهبود قیمت کالاهای مصرفی و تولیدی روستاییان، افزایش اشتغال زنان و درآمد دهیاری‌ها، کاهش فقر و ارتقای شغلی روستاییان باشد. اتخاذ تمهیداتی به منظور اینکه روستاییان سهمیه‌ای مخصوص برای تهیه کالاهای اساسی و ضروری خود که از بازارچه وارد می‌شود، داشته باشند، موجب بهبود قیمت کالاهای مصرفی

آن‌ها می‌شود؛ از سویی دیگر، حرکت بازارچه به سمت صدور کالا با تأکید بر محصولات تولیدی کشاورزی روستاییان هرچند به صورت محدود با توجه به تفاوتی که هم اکنون در نرخ ارز وجود دارد قیمت محصولات تولیدی روستاییان را افزایش و اشتغال و درآمد بیشتر می‌شود، در نتیجه می‌توان انتظار داشت که روند مهاجرت روستاییان کاهش و میل ماندگاری آن‌ها افزایش یابد. اختصاص بخشی از درآمدهای بازارچه در اختیار دهیاری‌ها و صرف آن‌ها در عمران روستاها در کنار به‌کارگیری روستاییان در اداره بازارچه می‌تواند زمینه‌ساز جلب اطمینان و مشارکت بیشتر روستاییان در فعالیت‌های بازارچه باشد. روستاییان یکی از موانع اصلی فعالیت در بازارچه را ورود فراوان غیربومیان که شهرنشینان باشند، می‌دانند؛ این در حالی است که فعالیت در بازارچه منحصراً در اختیار روستاییان است؛ بنابراین ضروری است که قوانین و مقرراتی به منظور حمایت بیشتر از روستاییان و کنترل ورود غیرقانونی شهرنشینان به بازارچه اتخاذ گردد.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده تأیید ارتباط شاخص‌های فردی چون: سن، سطح تحصیلات و میزان وابستگی درآمدی به بازارچه با میزان رضایت از وضعیت کنونی آن دارد؛ بدین ترتیب که در شاخص سطح تحصیلات میزان همبستگی منفی به دست آمده بنابراین افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، سطح رضایت کمتری از وضعیت کنونی بازارچه دارند. شاخص سن نیز با رضایت از وضعیت کنونی بازارچه دارای همبستگی مثبت است، بنابراین هرچه سن بالاتر باشد، سطح رضایت افراد نیز از تأسیس بازارچه بیشتر است و افرادی که در سنین پایین‌تر قرار دارند، دارای نارضایتی بیشتری هستند و این امر با توجه به اینکه ساختار سنی منطقه جوان بوده و بیشتر افراد پاسخگو نیز در سنین فعالیت اقتصادی قرار دارند، نشان از نارضایتی قشر جوان و فعالین اقتصادی دارد. در مصاحبه با روستاییانی که در این سنین قرار داشتند، درآمد کم و شرایط نامناسب فعالیت در بازارچه علل اصلی نارضایتی ذکر شده است؛ در این راستا پویاتر نمودن بازارچه از طریق ایجاد مشاغل جدید و پردرآمدتر لازمه جلب رضایت قشر فعالین اقتصادی است. همچنین با توجه به شدت بالا (۰/۶۴۲) و مثبت بودن همبستگی میزان وابستگی درآمدی به بازارچه با رضایت از وضعیت کنونی آن می‌توان گفت که می‌بایست درآمدزایی بازارچه به سمتی پیش رود که وابستگی روستاییان به آن بیشتر گردد تا نتیجه این امر افزایش رضایت و تداوم فعالیت روستاییان در بازارچه باشد.

نتایج حاصله با نتایج پژوهش اسماعیل‌زاده (۱۳۹۲) مغایرت دارد، زیرا این پژوهش نشان می‌دهد که بازارچه مرزی سیران بند در شهرستان بانه توانسته است موجب توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون شود اما در مهار فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق ناتوان بوده است. همچنین پوانلو (۲۰۱۰) در تحقیق دیگری بر خلاف یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با تأثیر بازارهای مرزی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی مرزی کنیا و اتیوپی بیان می‌کند که این بازارها موجب افزایش در آمد، اشتغال و کاهش آسیب‌پذیری

ساکنین از خشکسالی شده است، نتایج پژوهش عاشری (۱۳۹۱) نیز بیان می‌کنند که فعالیت بازارچه مرزی شیخ صالح جوانرود در استان کرمانشاه با ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، افزایش تحرک شغلی، کاستن از مهاجرت، توانسته امنیت نسبی را از لحاظ اقتصادی - اجتماعی ایجاد نماید؛ این در حالی است که پژوهش حاضر بازارچه مرزی را در ایجاد اشتغال، تحرک شغلی و کاستن از مهاجرت‌ها ناموفق نشان می‌دهد. همچنان که این پژوهش نقش بازارچه را در افزایش امنیت روستاییان اثبات نمود، نتایج پژوهش احمدپور (۱۳۹۱) نیز بیانگر نقش مثبت تأسیس بازارچه‌های مرزی بر ایجاد و افزایش امنیت پایدار در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان است. زرقانی (۱۳۹۱) بیان می‌کنند که بازارچه مرزی باشماق شهرستان مریوان موجب کاهش فعالیت‌های قاچاق و افزایش ارتباطات و تسهیل عبور و مرور بین استان‌های کردنشین دو سوی (ایران و عراق) مرز شده است، در تطابق با این امر، در پژوهش حاضر نیز تأسیس بازارچه موجب تسهیل عبور و مرور و کاهش فعالیت‌های قاچاق نسبت به دوره قبل از تأسیس آن شده بود.

۶) منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، (۱۳۹۱)، نقش بازارچه مرزی در توسعه امنیت (نمونه موردی: بازارچه مهران)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اسماعیل‌زاده، خالد، (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها نمونه مورد مطالعه: دهستان ننور، شهرستان بانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.
- اسماعیل‌زاده، خالد، (۱۳۹۱)، بازارچه‌های مشترک مرزی مکانیسمی برای سالم‌سازی اقتصاد مناطق مرزنشین و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، خرداد.
- احمد پور، آرام، (۱۳۹۱)، بازارچه مرزی و نقش آن در توسعه امنیت سیستان و بلوچستان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- افراخته، حسن، (۱۳۹۱)، مرز، سرمایه اجتماعی، توسعه و امنیت نواحی مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بی‌سخن، امید، (۱۳۸۷)، تأثیر بازارچه‌های مرزی در تغییر ساختار اقتصادی و کالبدی شهر نمونه موردی: پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان.
- پاشازاده، اصغر و زهرا خدا کرمی، (۱۳۹۱)، نقش بازارچه مرزی در امنیت مناطق مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی شهرستان بيله سوار)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- جهانی دولت‌آبادی، اسماعیل، (۱۳۹۱)، بررسی تأثیرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.

- حسینی، سید علی، (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل موثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان در استان گیلان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۷، صص ۳۴-۱۹.
- رازینی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، بررسی نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱، وزارت بازرگانی دفتر مطالعات اقتصادی- معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، تهران.
- زرقانی، سید هادی، (۱۳۹۱)، تحلیل سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی (نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره شانزدهم، شماره یک، صص ۲۳-۲.
- شایان، حمید، (۱۳۸۳)، تنگناهای توسعه در استان‌های مرزی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۷، صص ۸۰-۷۱.
- صادقی، موسی و حسین ربیعی، (۱۳۹۴)، تحلیل مکانیابی استقرار بهینه بازارچه مرزی در سکونتگاههای روستایی شهرستان گنبدکاووس، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صص ۷۳-۵۷.
- صیامی، قدیر و محمدرضا دربان آستانه، (۱۳۹۱)، بازتاب‌های فضایی کارکردی بازارچه‌های مرزی بر اقتصاد و امنیت پسرکانه های شهری و روستایی ایران، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عاشری، امامعلی، (۱۳۹۰)، ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی (نمونه موردی: بازارچه مرزی جوانرود) (شیخ صالح)، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند.
- عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.
- قادرمرزی، حامد، (۱۳۹۴)، برنامه ریزی راهبردی توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان جوانرود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- کامران، حسن، (۱۳۸۹)، تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران، نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸، صص: ۲۵-۷.
- کهنه پوشی، سید هادی و حمید جلالیان، (۱۳۹۲)، تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی (نمونه موردی: بخش خاوومیرآباد- مریوان)، جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، صص: ۷۵-۶۲.
- کهنه پوشی، سید هادی و علی‌اکبر عنابستانی، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (نمونه موردی: بخش خاوومیرآباد- مریوان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم شماره پانزدهم، صص ۲۰-۱.
- مطیعی لنگرودی، حسن، (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- یگانه، بهروز، (۱۳۹۰)، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی؛ دهستان محسن آباد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال دوازدهم، شماره ۲۵، صص ۹۶-۷۹.
- Pál, Ágnes, (2011), **New results of cross border coparation: The impact of border zones location on spatial feature of SZEGED'S trade**, The Department of Social Geography and Regional Development Planning Humanitarian Policy Group Overseas Development Institute 111 Westminster Bridge Road London of the University of Debrecen & Institute for Euroregional Studies.
- Ahmadypour, Zahra, (2013), **The Role Of Border Markets In Regional Security Case study: Bashmogh Border Market in Marivan; Iran**, Geopolitics Quarterly, Volume: 8, No 4, PP 72-92.

- Bacsi, Zsuzsanna, (2006), **The role of cross-border coopration in rural development-a new European prespective**, Proceedings from the First International Conference on Agriculture and Rural Development ,Topusko, Croatia, 23-25, November .
- Chandoevmit, worawan, (2004), **Thailand's cross border economy , a case study of sa kaeoand chiangrai**; Thailand development resources institute.
- Hedayatzade, Sayyed Hessam,(2010),**Effect of Border Markets on the Economy of WestAzerbaijanProvince**,Iran,Review of International Comparative Management, Volume 11, Issue 5, pp 853:869,December.
- Harris, Jonathan,(2003),**Basic Principles of Sustainable Development**, global development and environment institute working, paper 00-04.
- Oicu,(2005), Report **on cross border activities of market intermedlares in emerging markets**, emergining markets committe of the internatinal organization of securities commission.
- Pavanello, Sara,(2010), **Livestock marketing in Kenya-Ethiopia border areas: A baseline study**, at: www.fao.org.
- WFP/FAO,(2011), **Joint Cross-Border Market and Trade Monitoring Project** : Doblely Cross-border Market Profile Report,
- Rawat, D.S.,(2012), **Secretary General, for and on behalf of the Associated Chambers -of Commerce and Industry of India**,at: sanganico.com/img.
- Szalontai, Lajos,(2011), **Introduction of the eknowbridge project and its results**, The Department of Social Geography and Regional Development Planning Humanitarian Policy Group Overseas Development Institute 111 Westminster Bridge Road London of the University of Debrecen & Institute for Euroregional Studies.
- Westholm. Erik, (2009), **indicators for sustainable development of rural municipalities – Case studies: Gagnef and Vansbro :(Dalarna, Sweden)**,university Oldenburg.at: <http://www.uni-oldenburg.de>.